

ملاحظات در باره "طرح پیشنهادی برای قطعنامه در باره بحران هسته ای"

کامران صادقی

اکتبر 2010

ملاحظات در باره "طرح پیشنهادی برای قطعنامه در باره بحران هسته ای"

1- "خطر جنگ جدی است"

این یک ارزیابی است که الزاما نباید در نزد همه همراهان ج د ل یکسان باشد. من شخصا در حال حاضر وقوع یک جنگ را چندان محتمل نمی بینم. به دلائل مختلف، بطور نمونه مشکلات آمریکا در عراق و افغانستان، سیاست اوباما که لااقل در این مقطع از دوره اول ریاست جمهوری اش مجبور است بیشتر از صلح صحبت کند تا جنگ و... البته این هم یک ارزیابی است و دوستان الزاما نباید با آن موافق باشند. ولی اینکه جنگ برای رژیم "نعمت الهی" است و رژیم با اصرار بر غنی سازی اورانیوم و تقلا برای ساخت سلاح های اتمی "ایران را به تقابل خطرناکی با جامعه بین المللی کشانده است که پیامدهای آن می تواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد" (نقل از قطعنامه دومین گردهمایی سراسری) واقعیتی است که مردم ایران با پوست و گوشت خود آنرا لمس کرده اند.

2- حل بحران هسته ای ایران "تنها با مبارزه مردم با توجه به توازن قوای موجود در کشور ممکن و قابل تحقق نیست" به نظر من مطرح کردن چنین حکمی درست نیست. چرا که می تواند در تضاد با نظر همیشگی ما که مردم ایران سر نوشت خود را، از جمله تعیین تکلیف با رژیم و سیاستهای هسته ای و غیر هسته ای او، خود تعیین خواهند کرد، تعبیر شود. و می تواند مورد سوء استفاده کسانی قرار گیرد که برای رهایی از بختک رژیم و سیاست های ایران بر باد ده آن، همیشه گوشه چشمی به نیروهای خارج از نیروی مردم داشته اند.

3- رژیم سعی می کند نتایج سیاست های غلط اقتصادی (افزایش قیمتها، افزایش فقر، افزایش بیکاری و...) خود را به حساب تحریمها بگذارد. حرفهای اخیر خامنه ای در این رابطه بسیار گویاست: "دشمنان ملت تلاش می کنند مردم را با فشارهای اقتصادی به ستوه بیاورند تا مردم این فشارها را ناشی از عملکرد دولت بدانند و رابطه دولت و ملت قطع شود...". بنابراین به مسئله تحریم ها باید ظریف تر برخورد شود. به نظر من ما باید با تمام تحریم هائیکه به نوعی به افزایش فشار بر مردم در زندگی روزمره منجر می شوند، مخالفت کنیم. و با همه تحریم هائیکه به نوعی فشار بر رژیم را افزایش می دهند و امکانات سرکوب

و ترور او را محدود می کنند، موافقت کنیم. بنابراین فکر می کنم بجای پشتیبانی کلی از قطعنامه سازمان ملل که مردم از کم و کیف 38 بند آن اطلاعی ندارند، بطور مشخص از تحریم های قابل دفاع و از تحریم هایی که قابل دفاع نیستند صحبت کنیم تا قطعنامه ما پیامی برای مردم داشته باشد.

4- ما در قطعنامه دومین گردهمائی سراسری نه تنها با سیاست هسته ئی و غنی سازی اورانیوم توسط رژیم مخالفت کردیم، بلکه اساسا تولید انرژی هسته ئی را برای ایران که به "لحاظ انرژی فسیلی و انرژی باز تولید شونده در طبیعت غنی است" ضروری ندانستیم و ورود به این چرخه را برای "زندگی مردم و نسلهای آینده" خطرناک قلمداد کردیم. در بیانیه باید به قوت خود باقی بودن آن مواضع تاکید کرد. از آنجا که در ایران امکان بحث در باره خطرات غنی سازی اورانیوم، تشعشعات اتمی و از بین بردن زیاله های اتمی ممکن نیست، شاید بهتر باشد آن مواضع را یک بار دیگر تکرار کنیم و در اختیار عموم قرار بدهیم.

5- در آخرین بند قطعنامه دومین گرد همائی سراسری گفته شده بود که " ما مخالف دخالت و حمله نظامی احتمالی به ایران حتی در صورت تایید سازمان ملل... می باشیم. این تاکید نشان می دهد که ج د ل نه از زاویه دیپلماسی بین المللی، بلکه از زاویه سیاست یک نیروی اپوزیسیونی که خواهان بر چیده شدن بساط رژیم توسط خود مردم است، در سیاست دخالت می کند. فکر می کنم این زاویه دخالت را باید حفظ کرد.

6- و نکته آخر اینکه، به نظر من بهتر است ما وارد بحث حقوقی در رابطه با بحران هسته ای نشویم. چرا که بحثی منحرف کننده است. وقتی که ما امری را بد و برای جامعه و نسلهای آینده خطرناک می دانیم، دیگر تاکید بر اینکه ما حق انجام چنین کاری را داریم، بیش از اینکه چیزی را روشن کند، گیج کننده خواهد بود. نظر شخصی من این است که وقتی کاری را مضموم و برای جامعه خطرناک می دانم، حق انجام آنرا هم ندارم